



ابراهیمی دینانی: بسیاری از مردم در تسخیر جهان هستند/ بشر به ذات غایت‌اندیش است

غلامحسین ابراهیمی دینانی گفت: غایت‌اندیشی و غایت‌انگاری در نهاد بشر است، بشر به ذات غایت‌اندیش است، هیچ انسانی در این عالم زندگی نمی‌کند، مگر اینکه به غایت بیاندیشد.

غلامحسین ابراهیمی دینانی گفت: غایت‌اندیشی و غایت‌انگاری در نهاد بشر است، بشر به ذات غایت‌اندیش است، هیچ انسانی در این عالم زندگی نمی‌کند، مگر اینکه به غایت بیاندیشد.

به گزارش خبرنگار مهر، عصر روز گذشته (بیست و هشتم مهرماه) غلامحسین ابراهیمی دینانی عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران و چهره ماندگار فلسفه در برنامه «معرفت‌ها» که از شبکه چهار سیما پخش شد، در تفسیر قسمت‌هایی از کتاب خود «پرسش از هستی‌ها» و «هستی‌پرسش» درباره غایت‌اندیشی در زندگی اظهار کرد: غایت‌اندیشی و غایت‌انگاری در نهاد بشر است، بشر به ذات غایت‌اندیش است، هیچ انسانی در این عالم زندگی نمی‌کند، مگر اینکه به غایت بیاندیشد؛ غایت یعنی قصد و غرض.

وی ادامه داد: نوع تفکر و نحوه اندیشیدن به غایت، متفاوت است. هیچ‌کس بدون قصد و غایت، حرکت نمی‌کند. آنچه مهم است، این است که غایتی که در نظر می‌گیریم، چه غایتی است و چگونه به غایت‌ها بیاندیشیم.

این استاد دانشگاه افزود: هر کسی غایتی که در زندگی در نظر می‌گیرد، به اندازه فکرش است و بر اساس موازین فکر خودش، غایتش را تعیین می‌کند.

برای همت بلند داشتن، باید فکر والا داشت

ابراهیمی دینانی با بیان اینکه فکر بر اساس همت است، خاطرنشان کرد: همت بلند را کسی دارد که فکر بلند دارد؛ برای خوب اندیشیدن باید همت بلند داشت و برای همت بلند داشتن، باید فکر والا داشت.

وی با طرح این سؤال که آیا انسان می‌تواند همت بلند داشته باشد، بدون اینکه فکر بلند داشته باشد؟ گفت: همت بدون فکر و فکر بدون همت نمی‌شود؛ اینها با هم درآمیخته هستند. کسی که فکر بلند دارد، همت بلند دارد و کسی که همت والا دارد، فکر خوب دارد.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران تأکید کرد: مسئله‌ای که از ابتدا تاکنون بین فلاسفه، متکلمان، اندیشمندان و علما مطرح بوده، این است که جهان هستی در چه زمانی به وجود آمده؛ این سؤال است که در علم هم مطرح است. فلاسفه و متکلمان هم می‌پرسند؛ حالا فیلسوفان جواب می‌دهند و متکلم یک‌جور پاسخ می‌دهد، عالم و فیزیکدان هم جور دیگری جواب می‌دهد. متکلم می‌گوید عالم اراده خداوند است، فیلسوف را مقتضای دائم علم الهی می‌داند، فیزیکدان هم نظریه «بزرگ‌بینی» را مطرح می‌کند. ولی سؤال اصلی مردم این بوده که جهان از چه زمانی به وجود آمده است؟

ابراهیمی دینانی در ادامه گفت: چیزی که من کمتر دیدم، این است که مردم بپرسند که علم و اندیشه از چه زمانی به وجود آمده است. شما با آگاهی است که از به وجود آمدن علم و اندیشه پرسش می‌کنید. حالا خود آگاهی از چه زمانی به وجود آمده است؟ هستی بر اساس آگاهی به وجود آمده است یا هستی به وجود آمد، بعد آگاهی پیدا شد؟ هستی بر اساس آگاهی به وجود آمده؛ پس آگاهی قبل از هستی است.

آگاهی ازلی است و اگر ازلی است، ابدی است

وی تصریح کرد: عده‌ای فکر می‌کنند اول عالم به وجود آمده است و بعد در درون عالم، علم و آگاهی پیدا شده است؛ این یک نظر است و یک نظر دیگر این است که عالم بر اساس آگاهی به وجود آمده و اگر چنین اتفاقی افتاده، آگاهی قبل از عالم است. آگاهی ازلی است و اگر ازلی است، ابدی است. تا آگاهی نباشد، غایت‌شناسی نیست. چه کسی از

غایت می‌&ZWNJ;پرسد، کسی که آگاهی دارد.

چهره ماندگار فلسفه اظهار کرد: تنها موجودی که می‌&ZWNJ;پرسد غایت زندگی من چیست، انسان است. غایت‌&ZWNJ;انگاری در ذات انسان است. عالم و جاهل، پیر و جوان هم ندارد ولی نوع غایتی که برای زندگی خودشان تعیین می‌&ZWNJ;کنند، متفاوت است.

غایت الغایات، رسیدن به حق تبارک تعالی است

ابراهیمی دینانی خاطرنشان کرد: به تعداد انسان‌&ZWNJ;های روی زمین، غایت زندگی متفاوت است، اما عده‌&ZWNJ;ای سؤال می‌&ZWNJ;کنند که غایت زندگی من چیست؟ انسان چه زمانی می‌&ZWNJ;رسد به غایتی که دیگر بعد از آن غایتی نباشد؟ غایت‌&ZWNJ;الغایات، رسیدن به حق تبارک تعالی است که غایت هستی، سرانجام هستی، بی‌&ZWNJ;پایانی غیرمتناهی، بودن و فعلیت محض است.

آدم‌&ZWNJ;های فرهیخته که فکر متعالی دارند، به پول، پست و ریاست بسنده نمی‌&ZWNJ;کنند

وی افزود: خداوند برای فعلش، غایت و غرض دارد و اگر خداوند غایت و غرض دارد، انسان که مظهر کامل اوست و بر روی زمین خلیفه‌&ZWNJ;الله است؛ آن هم غرض و غایت دارد ولی غرض‌&ZWNJ;های انسان متفاوت است و سلسه مراتب دارد؛ از پولدار شدن، بچه‌&ZWNJ;دار شدن، به پست و مقام رسیدن. این غرض‌&ZWNJ;های عادی و معمولی که مردم دارند، فراوان است ولی انسان‌&ZWNJ;های فرهیخته که فکر متعالی دارند، به پول، پست و ریاست بسنده نمی‌&ZWNJ;کنند، غرضشان رسیدن به حق تعالی است. این عالی‌&ZWNJ;ترین غرض انسان و درک تبارک تعالی و توحید محض است. رسیدن به معنی فعلی و وحدانیت حق تبارک تعالی است.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران درباره فرق بین باور صحیح و نادرست ابراز داشت: باور غلط همانند غذای مسموم است، غذای مسموم آدم را می‌&ZWNJ;کشد. باور غلط، روح را می‌&ZWNJ;کشد؛ پس انسان‌&ZWNJ;ها باید درباره باورهای خودشان هم بینادیشند که به یک باور مسموم و مبتلا نباشند و راه تشخیص آن در عقلانیت و اندیشه درست است.

بسیاری از مردم در تسخیر جهان هستند

ابراهیمی دینانی ادامه داد: آیا عالم غایت انسان است یا انسان غایت عالم است؟ به عبارتی دیگر جهان برای انسان آفریده شده است یا انسان برای جهان. انسان عالم را تسخیر می‌&ZWNJ;کند یا جهان، انسان را تسخیر می‌&ZWNJ;کند؟ انسان قدرت تسخیر جهان را دارد اما بسیاری از مردم در تسخیر جهان هستند؛ جهان آنها را شکار کرده است.

اُبژه چیزی است زیر سیطره نگاه شما به صورت بالقوه

وی در پایان خاطرنشان کرد: جهان طبیعت با ما چه ارتباطی دارد؟ این را می‌&ZWNJ;توانیم به عالم عین‌&ZWNJ;الذهن که حکمای ما از آن تعبیر کرده‌&ZWNJ;اند، تعبیر کنیم. دنیای امروز و فلسفه امروز از سوَبژه و اُبژه سخن می‌&ZWNJ;گوید؛ انسان را سوَبژه می‌&ZWNJ;داند و جهان را اُبژه. اُبژه آن بیرونی است که زیر نظر شما قرار می‌&ZWNJ;گیرد. اُبژه بیرون از شماست اما زیر سیطره نگاه شما قرار می‌&ZWNJ;گیرد. آیا طبیعت زیر سیطره نگاه شما نیست؟ آیا چیزی در عالم طبیعت هست که از زیر سیطره نگاه شما بیرون باشد؟ اگر چنین چیزی وجود داشته باشد که زیر سیطره شما بیرون باشد، اُبژه نیست. آن چیزی که به هیچ وجه زیر سیطره نگاه شما نخواهد بود، یا نیست و یا اگر هست اُبژه نیست. اُبژه چیزی است زیر سیطره نگاه شما به صورت بالقوه. طبیعت‌&ZWNJ;شناسان بیرون و اُبژه را فقط طبیعت می‌&ZWNJ;دانند. وقتی با آنها از متافیزیک و عالم ماوراء صحبت می‌&ZWNJ;کنید، می‌&ZWNJ;گویند اُبژه همان طبیعت است. حالا آنچه که زیر نگاه آنهاست، اُبژه است یا در طبیعت چیزی است که از زیر نگاه آنها بیرون است؟